

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده و طنخواه، جناب انجنیر فضل احمد افغان!
بس امتنان از مقالات دوگانه شما، که با کمال میل به نشرشان خواهیم پرداخت. یقین داریم، که ارسال این مقالات
طلیحه ایست از همکاری دائمی شما با ما و از همین رو ورود جناب شما را در حلقه همکاران دائمی خویش خیر
مقدم میگوئیم. موفق باشید و همیشه در خدمت مردم و وطن محبوب و دردمند ما.

با تقدیم محبت

اداره پورتال AA - AA

"افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"

انجنیر فضل احمد افغان
کولمبیا، کانادا ایالت برتیش
سوم سپتمبر ۲۰۰۸

چرا ملت افغان متحد نمی شوند؟

میگویند فامیلی گربه ای را تربیه کرده بود که در وقت صرف غذا در وسط میز طعامخوری می نشست و
مشعلی را الی اخیر صرف غذا بدست میگرفت. اما روزی گربه از قضا و قدر موشی را بدید که در بین اتاق
گشت و گذار میکند. گربه با دیدن موش بلادرنگ با فراموش کردن وظیفه اصلیش مشعل را از دست انداخت و
خود را از بالای میز بطرف موش پرتاب کرده و موش را گرفت.

مطلب از بیان گربه و موش اینست که در سی سال اخیر هر رهبری تحمیل شده که با عرقریزها و زحمات
ملت مظلوم و ستمدیده افغان به امید مشعلدار وحدت ملی تربیه شده بودند، متأسفانه چون گربه وقتی منافع
شخصیش مطرح گردیده منافع ملی را فراموش کرده و ملت را در تاریکی و سراسیمگی قرار داده اند. یعنی
در مقابل قدرت، شهرت کاذب و یا پول به دستور بادران خارجی خود مشعل وحدت ملی را که حراست آن
وظیفه اسلامی، وجدانی، ملی و اخلاقی شان بود به زمین زده اند و برای رسیدن به آرزوهای پلید خود و یا
خوشخدمتی به بادران خود اختلافات قومی، مذهبی، لسانی، منطقوی، حزبی، تنظیمی و جهادی را دامن
زده و عدالت اجتماعی را که عنصر عمده وحدت ملی بود پامال کرده اند.

یعنی دشمنان خارجی توسط فرزندان ناخلف و حق ناشناس هموطن خود ما که برای حفظ وحدت ملی به
منظور حراست از نوامیس ملی، استقلال، آزادی و سربلندی مادر وطن عزیز ما افغانستان تربیه شده بودند،
ریشه های وحدت ملی را از بیخ و بن قطع و با استفاده از نام وحدت بر ضد وحدت عمل نموده اند. امروز عده
ای از افراد ملت افغان چنان مضمحل، خسته و به گفتار و بیانات اشخاص بی اعتماد گردیده اند که حتی
تحمیل شنیدن کلمات زیبای اتفاق و اتحاد را ندارند و میخواهند چون خرگوشان در شگافهای طولانی دهلیز نما
زندگی کنند تا از گزند حوادث و سر و صداهای غیر قابل باور وحدت ملی که گاه گاهی از این منبع خبری و
یا آن منبع خبری و یا به اصطلاح این رهبر و یا آن رهبر بحیث وسیله تبلیغاتی بلند میشود، بیخبر باشند.

و عده چنان در مسایل اختلافات قومی، مذهبی، لسانی، حزبی، تنظیمی، جهادی و منطقوی خمیر شده اند
که بقای خود را بدون چنگ زدن به چنین پدیده تباهکن وارد شده نمی بینند و فریبکارانه و محیلانه سبب
میدارند با کلماتی چون اکثریت و اقلیت این قوم و آن قوم، برحق بودن این حزب و آن حزب و یا این تنظیم و
آن تنظیم، این زبان و آن زبان، این قهرمان و آن قهرمان و بالاخره این مذهب و آن مذهب به اهداف شوم
خود و بادرانشان برسند.

به این معنی که در داخل و خارج مادر وطن عزیز ما تعدادی از هموطن ما دستوری و یا غیر دستوری با
صداهای بلند و احساسات، حرف از اتحاد و اتفاق میزنند اما وقتی منافع شخصی سیاسی و یا مادی مطرح

میشود، متأسفانه منافع ملی بکلی فراموش شده و نه تنها آتش اختلافات قومی، لسانی، مذهبی و منطقوی را بین فرزندان یک مادر که "افغانستان" باشد دامن میزنند، بلکه پدیده دیگری چون اختلافات حزبی، تنظیمی، جهادی و شخصیت پرستی را نیز به آن گره میزنند و ملت را روز به روز بطرف بدبختیهای بیشتر سوق میدهند. که در نتیجه وحدت ملی را که از نیاکان به میراث گرفته بودیم در سی سال اخیر به باد فنا دادیم که البته چندین نسل دیگری با فداکاری و قربانیها ضرورت خواهد بود که مجدداً وحدت ملی را احیاء و ملت افغان چون قبل از سی سال اخیر، متحد و بنام نامی گ"فغان" و "افغانستان" افتخار نمایند.

مطلب اینست که با گذشت قرنهای و تحولات عمیق و باورنا شدنی علمی سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی، جغرافیائی و خاصتاً تکنالوجیک در جهان امروزی اکثریت ملت افغان هنوز هم در خواب خرگوش است یعنی در حالیکه در جهان متمدن با انکشاف علم و دانش بمرور زمان کلیم فرهنگ کهن قضاوتهای خوب و خراب در مورد اشخاص که به اساس وابستگیهای قومی، مذهبی، لسانی، منطقوی، اصل و نسب، کار کردهای اجداد و فامیلی، زور و زر بود، بکلی جمع و در عوض معیار و محک قضاوتها در مورد اشخاص بنا بر حاکمیت عدالت اجتماعی به اساس تقوی، علمیت، کاردانی، صداقت، پاکی، سابقه کاری، وطن دوستی و عملکردشان جا گرفته، هیچ تغییر نکرده

یعنی اگر شخصی مورد بحث قرار میگیرد و یا نظرخواهی شود شعوری و یا غیرشعوری با در نظر داشت منافع شخصی و یا تظاهر نه منافع ملی از تمام خصوصیات خوب و یا خراب شخص بحیث یک فرد مستقل و آزاد چشم پوشی و به اساس وابستگی های قومی، مذهبی، لسانی، حزبی، جهادی، تنظیمی، زور داری، زرداری و یا فامیلی مطرح بحث قرار گرفته میشوند. یعنی بدون تعقل و مسؤولیت وجدانی، اخلاقی، انسانی و اسلامی بالایشان مهر و یا تاپه تأیید و یا رد این و آن وارد کرده و باز هم نظام عدالت اجتماعی را برهم زده و وحدت ملی را خدشه دار میسازند..

و نیز اگر صحبتی از اتحاد ملی میشود، اتحاد ملت واحد افغان تحت یک چتر از شمال تا جنوب و از شرق الی غرب کشور در مجموع فراموش میگردد یعنی هر قوم، مذهب، حزب، تنظیم، مجاهد نما و یا این گروپ زردار و آن زوردار دستوری و یا غیر دستوری از برحق بودن برتریها و قهرمانیهای خود حرف میزنند و بدون در نظر داشت تساوی حقوق بین اتباع افغان از دیگران طالب امتیازات بیشتر میگردند. مخصوصاً آنده ای که در طول چهل سال اخیر یعنی آغاز دهه دیموکراسی (۱۹۶۴م) شیفته و گرویده ایدئولجیهای وارد شده سوسیالیزم- کمونیزم - اسلامیزم افراطی- ماویزم - ستمیزم - طالبیزم - کپیٹالیزم گردیده و ملت افغانستان را به تباهی کشانیده اند، هنوز هم به دستور بادران خارجی و جاطلبی شان خود را عقل کل معرفی کرده و هریک در سبب و تلاش اند که در عوض یک نام واحد "افغان" و خدمتگاران واقعی برای آزادی، استقلال، سربلندی و شگوفائی افغانستان، ملت افغان را بزور و زر و یا این نام و آن نام در محدوده پیروی از عقاید شخصی و ایدئولجیهای وارد شده دعوت و برای گرفتن قدرت بار دیگر ملت مظلوم و ستمدیده افغان را در بردگی قرار داده بدستور بادران خود آنچه بخواهند عمل نمایند .

بلی گاه گاهی نیز شنیده میشود که عده ای از رهبران گروپهای مزدور سی سال اخیر که در نظامهای مختلف در رأس قرار داشته اند و فعلاً نیز در داخل و خارج کشور بدستور بادران خود فعال میباشند، برای بقاء، دفاع و موفقیتهای آینده خود از یک جانب با ائتلاف های غیرمتجانس و یا بار اندازی مسؤولیتهای غیر بشری و جنائی خویش بالای یکدیگر و از جانب دیگر فریب خوردگان خود و یا آنانکه بنا بر جبر زمان و شرایط وقت در نظامهای مختلف برای انجام منافع ملی و یا امرار حیات خود و فامیلیهای شان در اورگانهای نظامهای مختلف گروپهای مزدور فوق الذکر در داخل و خارج کشور کشانده شده بودند و بحیث فرزندان واقعی مادر وطن که نه تنها هیچ نوع جرم و خیانت را مرتکب نشده اند بلکه با استفاده از موقع خدمات ارزشمند ملی را نیز انجام داده اند، برایشان با وانمود کردن اینکه اگر خیانت و یا جنایت را مرتکب شده بودند و یا خیر چون با ما در این جریان و یا آن جریان سهیم بودید اگر ما مسؤول میباشیم شما هم مسؤول میباشید. فلذا حال برای مصونیت و موفقیت آینده خود باید با ما باشید. تا با این نوع حیل و فریب آنها را در ترس و وحشت از آینده نامعلوم قرار داده و بحیث یک کتله دفاعی برای بقاء و دفاع از خود در مقابل ادعاهای برحق ملت مظلوم افغان و مدافعین حقوق بشر بحیث سپر استفاده نمایند. من به این دسته از خواهران و برادران عزیز و محترم که در سردرگمی و تاریکی حیات بسر میبرند، عرض میدارم که با جرأت تام بدون ترس و هراس خود را از ناقضین حقوق بشر، جنایتکاران، خائنین ملی و مزدوران خارجی با حفظ اخلاق و احترام اجتماعی، اسلامی و افغانی دور و به اکثریت قاطع ملت آزاد یخواه، صلحد وست و بشردوست هموطن خود بپیوندید.

مشکل دیگر ما افغانان که متحد نمیشویم اینست که اگر اعضای رهبری کدام حزب و یا تنظیم مرتکب نقض حقوق بشر، جنایات، خیانت ملی، عمل غیر انسانی و اسلامی شده باشند تمام اعضای حزب را بدون قضاوت در مورد عملکردهای اعضای حزب و یا تنظیم بشکل انفرادی که ممکن انسانان شریف، پاک، صادق، وطن دوست و غیر مسؤول باشند، به خاطر اعمال نادرست هیئت رهبری و یا عده ای دیگری منفعت جوی همان حزب و یا تنظیم محکوم میشمارند و یا بدون تعقل اینکه حزب و یا تنظیم بصورت کل خراب شده نمیتواند در احزاب و تنظیمها مثل هر جامعه بشری انسانهای خوب و خرابی میباشند، لهما نادرست و غیر منطقی خواهد بود که غیر مسؤولانه بدون بررسی سابقه اعمال اشخاص تنها به عضویت آنها در حزب آنها را منفور و محکوم بدانند و حتی آنانکه عضویت حزب و یا تنظیم را نداشته میباشند، اما بنا بر خویشاوندی،

رفاقت و دوستی روابط انسانی ، اخلاقی و اسلامی داشته میباشند از آنها نیز نه تنها دوری میجویند، بلکه با نشان دادن تنفر در عقب با عمل غیر اسلامی و اخلاقی غیبت و بد گوئی میکنند که البته اینگونه اعمال نیز باعث جدائیها و تفرقه بین افغانها میگردد.

از جانب دیگر عده ای از هموطنان گرامی ما اند که بدون کمی تفکر غیرمسئولانه از آن عده از خواهران و برادران که عضویت هیچ یک از احزاب و یا تنظیمها را نداشته اند و بحیث افراد ملت با شهامت افغان از نیرو و استعداد خود برای نجات وطن از بدبختیهای تحمیل شده خارجی و یا بنا بر جبر زمان برای امرار حیات خود و فامیل خویش بدون شخصیت پرستی و یا نوکری برای این قدرت و یا آن قدرت بیطرفانه با صداقت و پاکفشی در نظامهای مختلف اورگانهای دولتی بنام یک فرد ملت افغانستان با سربلندی برای انکشاف ، ترقی ، آزادی ، استقلال مادر وطن خود نه بحیث نوکر این حزب و آن تنظیم و یا این و آن قدرت خارجی مصدر خدمات ارزشمندی شده اند بدون استدلال منطقی یا اثبات و معلومات موثق در باره سابقه کاری، تقوی ، علم ، صداقت ، پاکی ، وطن دوستی شان صرف بخاطر اشتغالشان در یکی از اورگانهای دولتی نظامهای گذشته و یا این گروپ و آن گروپ این قوم و آن قوم ، این فامیل و آن فامیل مهرها و تاپه های رنگارنگ بالایش وارد و با دو رویگی با ایشان روابط داشته میباشند یعنی.

در خفا با یکدیگر روابط تن با تن دوستی نگه میدارند اما در اجتماعات و محفلهای شخصی و خصوصی وقتی باهم روبرو شوند و یا ذکر نامشان شود اول سبع میورزند که از شناسائی به آنها طفره روند و در صورت مجبوریت باید چنین وانمود شود که روابط نزدیک ندارند و حتی برای تبارز شخصیت خود نقابهای دروغین اسلام ، وطن دوستی و دیموکراسی را بر رخ خود کشیده ناجوانمردانه و خائنه به این نام و آن نام مهر و یا تاپه سیاه این و آن را بالایش وارد می نمایند که چنین انسانها در اسلام منافقین اند.

اکثر این منافقین که از خود شخصیت ندارند و اگر دارند جیون و ترسو اند برای پرده پوشی خیانتها و جنایات مرتکب شده خود در ادوار مختلف و یا تبارز شخصیت خود در بدنای دیگران زندگی میکنند و با وصف اینکه در کشورهای متمدن تحصیل نموده اند و سالهای متمادی در کشورهای متمدن حیات بسر برده اند و هر روز به پوست ، گوشت و استخوان خود احساس میکنند و می بینند که در کشورهای متمدن بالای انسانها به شکل انفرادی جدا از روابط فامیلی ، قومی، مذهبی (به استثنای مؤسسات و اورگانهای مذهبی) ، لسانی (به استثنای ضرورت کاری) ، حزبی و تنظیمی و یا این و آن به اساس معیارها و محکهای تعیین شده چون علمیت ، دانش ، وطن دوستی ، شعور سیاسی ، سابقه کاری و عملکرد خود شخص مورد بحث قضاوت می شود، نه روابط شان. از واقعیتها چشم پوشی مینمایند که در نتیجه خواهران و برادران بیگناه که خدمتگاران واقعی ملت بوده اند و میتوانند مصدر خدمات عالی برای آینده کشور خود شوند، متأسفانه بنا بر جهالت خود خواهی، عاقبت نیندیشی عده ای از هموطنان جاهل ، متعصب و نوکر صفت فوق الذکر در دو راهی امید و ناامیدی به آینده مادر وطن کشانیده و جبراً وادار به انزواء و یا راندن به تسلیم شدن به عده ای از ناقضین حقوق بشر ، جنایتکاران و خائنین ملی و نوکر صفت احزاب و تنظیمها که در کمین اند میسازند. اینست که ملت افغان به وحدت ملی موفق نمی شوند.

خواهران و برادران عزیز هموطن؛ بیائید از خواب خرگوش بیدار شویم و به اعتراف به واقعیتهای تلخ سی سال اخیر کمی ترحم به مام وطن و فرزندان فقیر ، گرسنه ، بی خانه، بی داکتر ، بی دوا ، بیسواد، بی تعلیم ، بی مکتب ، بی معلم ، بیکار، بی لباس، معلول ، معیوب ، یتیم ، مهاجر افغانی در پاکستان و ایران و متخصین ورزیده افغانی خارج وطن که به آرزوی خدمت به مام وطن میسوزند و می سازند کنیم و از انواع بی حرمتی ، بی عزتی و بی آبرویی نجات بدهیم و کشور عزیز را بطرف تمدن امروزی سوق دهیم و با برقراری عدالت اجتماعی در حد هموطنان عزیز خود با معیارها و محکهای علم ، دانش ، تقوی، عملکرد ، پاکی ، صداقت و وطن دوستی جدیدی را بکشایم. یعنی همه خواهران و برادران هموطن خود را که به هر اسم و رسم یاد می شوند اما حقوق بشر را نقض نکرده باشند ، مرتکب جنایت نشده باشند ، خیانت ملی نکرده باشند ، مزدور خارجی نباشند و اعمال ضد اسلامی نکرده باشند به اتحاد صمیمانه ، اخوت، برادری، برابری، هبستگی و صداقت به یکدیگر با حفظ احترام بدین مقدس اسلام ، وحدت ملی آهنین را بنام واحد "افغان" برای استقلال، آزادی، سربلندی، شگوفانی، غیرمنسلک بودن فعال و مثبت کشور عزیز خود افغانستان دعوت نمائیم. هموطنان گرانقدر باید عرض کنم که در این نبشته من به جز از منافع ملی افغانستان عزیز که بنامش افتخار میکنم، کدام مطلب و یا مرام شخصی ندارم چه من به افتخار، جرئت تام و سربلندی تام اظهار میدارم که الحمد لله در طول عمرم عضویت هیچ حزب و یا تنظیم را نداشته ام و به نام احزاب و تنظیمها مخالفت و یا حساسیتی هم نداشته ام اما بنا بر عقیده شخصیم و دیدی که از مادر وطن عزیز خود داشتم در شرایط ناسازگار کشور عزیز ما که بیش از نود فیصد ملت آن محروم از فیض سواد بود ، موافقه و یا شمول به فعالیتهای احزاب و تنظیمها ، آیدیولوجی های وارد شده و شخصیت پرستیهای شان داشتم و فعلاً نیز کمافی السابق نمیا شم. جهاد من در سی سال اخیر در عوض استعمال تفنگ و شمشیر، قلم و زبانم بود. بلی من بعد از سقوط دوره دهه دیموکراسی که به انارشی تبدیل شده بود برای حد اقل مدت ربع یک قرن طرفدار نظام دیکتاتوری مترقی نوع دوره سردار محمد داوود خان شهید بودم، تا ملت افغانستان از فیض نور علم و معرفت آگاه و دارای شعور سیاسی شود و جوانان با تقوی، بادانش ، مبتکر ، پاک، صدیق و وطن دوست آینده کشور که معتقد به اعتقادات افغانی، دیموکراسی واقعی ، احترام به منشور ملل متحد، عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی باشند ، بشکل تدریجی و مسالمت آمیز سرنوشت کشور عزیز خود را بحیث یک کشور آزاد و مستقل بدون در نظر

داشت مسایل قومی، مذهبی، زبانی، و منطقی بدست گیرند تا باشد که در پرتو نور علم و معرفت با در نظر داشت شرایط مسلط اجتماعی عدالت اجتماعی و حاکمیت ملی را در مادر وطن عزیز ما برقرار و مادر وطن ما را که از نیاکان بمیراث برده ایم در آینده مدنیت جهان بطرف شگوفانی و سربلندی سوق دهند و حال نیز معتقدم که برادران تفنگدار و شمشیردار ما تفنگهای خود را در خاک بسپارند و شمشیرهای خود را در نیامهای آن بگذارند و در عوض از قلم و زبان برای ایجاد صلح دایمی، وحدت ملی، استقلال، آزادی و حفظ کرامت انسانی استفاده و تلاش نمایند.

هموطنان نهایت عزیز و گرانقدر این آرزو وقتی برآورده شده میتواند که خواهران و برادران عزیز ما با یک واقع بینی و وسعت نظر و کنار زدن منافع و اختلافات شخصی حوادث سی سال اخیر را بدقت تام بسیار بیطرفانه ارزیابی کرده و لحظ ای بیاندیشند که آیا ارزش دارد که بدوام دسایس فکسور را بیشتر موقع بدهیم که ملت و مادر وطن ما را نیست و نابود سازند؟ خیر ابدأ نه.

فلذا بیائید با اعلان وحدت ملی صادقانه و نهایت صمیمانه به خداوند (ج) و مقدسات سوگند یاد کنیم که ما همه فرزندان یک مادر وطن و افغانیم و نیز بخاطر تحکیم وحدت ملی جدی از توهین و تحقیر خواهران و برادرانی که به هر نام باشند اجتناب کرده و قضاوت در باره اعمال جنایتکاران، ناقضین حقوق بشر، خائنین ملی و مزدوران خارجی را بدولت ملی آینده افغانستان عزیز و سازمان حقوق بشر میسپاریم و از تمام رسانه های گروهی و قلمبستان افغانی محترمانه التجاء و تقاضاء میکنم که در این مقطع خطیر زمانی درهمین راه مقدس، عمل بکنند.

و من الله توفیق